

پژوهشی در اختلاف پوشش الهه آناهیتا در نقوش برجسته نقش رستم و طاق بستان^۱

ابراهیم رایگانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۲/۱۱

چکیده

نقش برجسته یکی از مصادیق جاودانه نمودن صحنه تاج‌گذاری در دوره ساسانی بود که، باعث ایجاد چندین نقش از این دست شده است. پادشاهان ساسانی، صحنه‌های نقش برجسته زیادی ایجاد کردند. این نقوش، بازگو کننده اعتقادات مذهبی و اندیشه‌های سیاسی پادشاهان ساسانی در مدت بالغ بر چهار قرن بود. الهه آناهیتا، جزوی از این باور اعتقادی به شمار می‌رفت که از زمان نرسی، تصویرسازی آن بر نقوش برجسته آغاز گردید. هدف پژوهش حاضر، بررسی نحوه نگرش هنرمندان ساسانی به وضعیت محیطی در زمینه ایجاد نقوش برجسته می‌باشد؛ به صورت مطالعه موردی، به نحوه پوشش آناهیتا در دو نقش می‌پردازیم. اقلیم، یکی از تاثیرگذارترین عوامل در نحوه ارائه پوشش در نقوش برجسته آناهیتا در نقش رستم و طاق بستان بوده است. در طاق بستان، آناهیتا پوشاک گرم متناسب با آب و هوای سرد کرمانشاه دارد؛ حال آن‌که، لباس نازک و چسبان این الهه در نقش رستم، احتمالاً در کنار سایر عوامل مذهبی، از محیط نسبتاً گرم منطقه فارس حکایت دارد. باورهای مذهبی و توصیفات متون زرتشتی نیز در کنار عوامل محیطی از جمله اقلیم، بر نحوه ارائه پوشاک آناهیتا در نقوش برجسته را نباید از نظر دور داشت. حجار و کارفرمایان ساسانی نقوش برجسته یاد شده، خود را ملزم به رعایت توصیفات اوستا از پوشاک و ظاهر آناهیتا دانسته‌اند. در مقاله پیش‌رو، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که، تفاوت پوشش الهه آناهیتا، در دو مکان نقش رستم و طاق بستان چه دلیلی داشته است؟ فرضیه متناظر با این پرسش نیز چنین است که، مهم‌ترین دلیل تفاوت در پوشش الهه آناهیتا، تفاوت در اقلیم و توجه بانیان امر به رعایت شعائر مذهبی وابسته به این الهه بوده است.

واژگان کلیدی: دوره ساسانی، پوشش، اقلیم، آناهیتا، طاق بستان، نقش رستم.

مقدمه

پرداخته است. فارغ از مباحثی که در مورد هویت اشخاص موجود در این نقش برجسته‌ها، مورد اختلاف پژوهشگران مختلف است، نگارنده، صرفاً به بررسی پوشش الهه آناهیتا و عوامل مؤثر بر بازنمایی این پوشش متنوع، همت گمارده است.

روش انجام پژوهش

نگارنده در این پژوهش، از طریق بررسی پیمایشی نقوش برجسته، به ثبت ویژگی‌های هر یک از نقوش برجسته مورد مطالعه پرداخته است؛ سپس داده‌های حاصل از این پیمایش را در کنار مطالب و توصیفات کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) از پوشش آناهیتا ذکر نموده است؛ در نهایت، به کمک تحلیل توصیفی تاریخی، تلاش کرده است، تا برای پرسش مطرح شده در پژوهش، پاسخی منطقی و علمی ارائه نماید.

دولت ساسانی و گستره آن

اردشیر پسر پاک موبد معبد آناهیتا در استخر، در سال ۲۲۴م. بر اردوان پنجم، در نبرد هرمزدگان پیروز شد و پایه امپراتوری ساسانی را بنا نهاد (هرمان، ۱۳۷۳: ۸۴). اردشیر در غرب، به نبرد با رومیان پرداخت و در سال ۲۳۰م. شهر نصیبین را محاصره کرد و تا قلب استان رومی سوریه پیش تاخت. اردشیر مجدداً در سال ۲۳۸م. موفق به بازپس‌گیری شهرهای حران و نصیبین شد و بدین طریق، گستره غربی حکومت ساسانی را تا مرزهای امپراتوری روم گسترش داد (همان: ۸۵-۱۰۸). پس از اردشیر، پسرش شاپور به جای او نشست و به نبرد با رومیان ادامه داد و مرزهای دولت ساسانی را تثبیت نمود. در شرق، دولت ساسانی با اقوام هیاطله و هون‌های سفید درگیر بود که شاپور آن‌ها را در آن منطقه اسکان داد و از سمت شمال با اقوام صحرا گرد در حال نبرد بود (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۸). دولت ساسانی از سمت شمال با مسأله ارمنستان روبه‌رو بود که باعث جنگ‌های خونینی در تاریخ این سرزمین شد (پروکوپیوس، ۱۳۹۱: ۱۴-۲۲).

دولت ساسانی از سمت جنوب با تسلط بر دریای عمان و خلیج فارس به گسترش روابط خود با هند پرداخت. در سال‌های پایانی حکومت ساسانی با تسلط بر یمن، مرزهای ساسانی از سمت جنوب تا عربستان نیز گسترش یافت (نفیسی، ۱۳۸۷: ۱۷۷). گسترش قلمرو، موجب گسترش نقوش برجسته ساسانی در تمامی سرزمین‌های تحت تسلط آن‌ها نشد و اغلب نقوش-برجسته‌ها، در ایالت فارس ساخته و پرداخته شدند.

ایجاد نقش به منظوره‌های آیینی، نظامی، سیاسی از دیرباز در سرزمین ایران، رایج بوده است؛ به همین دلیل، نقوش مختلفی به صورت نقاشی، حکاکی، نقش-برجسته در اکثر مناطق ایران مشاهده می‌شود. هر نقش با توجه به مکان و زمان ایجاد، شرایط خاصی را دارا بود. معمولاً شرایط و الزامات ایجاد هر نقش، همواره مدنظر هنرمندان و کارفرمایان بوده است. احتمالاً در ایجاد نقوش برجسته ساسانی مسایل مذکور به درستی مورد توجه افراد مرتبط با ایجاد این نقوش بوده است. این مقاله، به مقایسه پوشش آناهیتا در دو اقلیم متفاوت می‌پردازد. ابتدا، به بررسی وضعیت پوشش الهه آناهیتا در نقش برجسته صحنه تاج‌ستانی نرسه در نقش‌رستم می‌پردازیم؛ سپس پوشش آناهیتا در طاق‌بستان را مورد مذاقه قرار خواهیم داد. در مقاله پیش‌رو، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که، تفاوت پوشش الهه آناهیتا در دو مکان نقش‌رستم و طاق‌بستان چه دلیلی داشته است؟ فرضیه متناظر با این پرسش نیز چنین است: احتمالاً از مهم‌ترین دلایل تفاوت در پوشش الهه آناهیتا در دو نقش‌برجسته نقش‌رستم و طاق‌بستان، اقلیم متنوع مکان ایجاد نقوش مذکور و توجه بانیان امر به رعایت شعائر مذهبی وابسته به این الهه بوده است.

پیشینه پژوهش

نقش‌برجسته‌های ساسانی در طاق‌بستان و نقش‌رستم اولین بار در سال ۱۹۷۲م. توسط آبه‌پوشان مورد بررسی قرار گرفتند (سامی، ۱۳۴۲: ۲۸). سپس هرتسفلد، باستان‌شناس معروف آلمانی، از آن‌ها بازدید نمود و نتایج مشاهدات و مطالعات خود را در کتابی، تحت عنوان ایران در شرق باستان به چاپ رساند (Herzfeld, 1941). در سال ۱۹۳۷م. اردمان، سکه‌شناس معروف آلمانی براساس شواهد سکه‌شناسی، به مطالعه هویت اشخاص موجود در طاق‌بستان و نقش‌رستم پرداخت (Erdman, 1937). فوکایی نیز نظرات قابل‌توجهی در زمینه نقوش برجسته موجود در طاق‌بستان ارائه نموده است (Fukai, 1969-1972, 1983 & 1984). تانابه، در سال ۱۹۸۴م. و مجدداً در سال ۲۰۰۳م. به مطالعه و انتشار نقوش طاق‌بستان پرداخت (Tanabe, 2003: 61-83-95). در نهایت، موسوی حاجی (۱۳۸۷)، با مقاله «تأملی دیگر در اثبات هویت واقعی و محتوای تاریخی نقوش برجسته‌های تاق‌بستان»، به مطالعه خدایان و اشخاص موجود در طاق‌بستان

سیر تحول نقوش برجسته ساسانی

ساسانیان، بیش از سی نقش برجسته در گستره امپراتوری ساسانی ایجاد نمودند، که اکثر آنان در ایالت پارس، خاستگاه شکل‌گیری دولت مذکور، کشف شده‌اند (شیپمان، ۱۳۹۰: ۱۳۶). این نقوش برجسته، شامل موضوعاتی چون اعطای حلقه شهریاری، فتح و پیروزی بر دشمن، شکار و یا صحنه‌های بارعام و همچنین نقوشی موسوم به صحنه‌های خانوادگی بوده است (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۵: ۲۹). محققین، اغلب نقوش برجسته ساسانی را به قرن سوم میلادی، منتسب نموده‌اند. نقوش موجود در طاق‌بستان کرمانشاه و حجاری‌های غار خسرو دوم، متعلق به سال ۵۹۰ م. به بعد هستند (همان: ۲۹۲). نقش-برجسته مکشوفه در منطقه سلماس، احتمالاً متعلق به اردشیر و پسرش شاپور باشد، که در ایالتی دورافتاده در آذربایجان ایجاد شد (ویلسون، ۱۳۵۶: ۱۰۵-۱۰۷). به طور کلی، می‌توان اظهار کرد، این نقوش، نشانه جالبی از تغییر سبک‌ها، شیوه‌ها و بازتابی از مشغولیات ذهنی پادشاهان سلسله ساسانی بوده است (هرمان، ۱۳۷۳: ۹۷).

پوشش الهه آناهیتا در نقش‌رستم

در کنار آرامگاه‌های پادشاهان هخامنشی در صخره‌های بلند نقش‌رستم فارس، هشت صحنه نقش‌برجسته-صحنه تاج‌ستانی اردشیر اول از اهورامزدا، صحنه پیروزی شاپور بر امپراتوران روم، بهرام دوم یا شاپور اول و درباریان، پیروزی بهرام دوم، آناهیتا و نرسه، نبرد هرمزد دوم و نقش نیمه تمام آذر نرسه، نبرد شاپور دوم یا بهرام دوم و صفحه تراشیده بدون نقش-از دوران ساسانی برجای مانده است. مراسم تاج‌ستانی نرسه از ایزدبانو آناهیتا، به عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ‌شناسی ساسانی در زمینه مباحث سیاسی و روند تغییر در پرستش و اهمیت ایزدان زرتشتی، به شمار می‌رود. نظرات مختلف در مورد تاریخ، موضوع و افراد حاضر در نقش برجسته نقش‌رستم فارس، در جدول شماره (۱) قابل ملاحظه است. صحنه اعطای حلقه شهریاری به نرسه در نقش‌رستم، برخلاف سایر پادشاهان قبل از وی، که همه از اهورامزدا، مشروعیت قدرت را به‌دست آورده بودند، برای اولین بار، آناهیتا به صورت تجسم انسانی حضور می‌یابد. در این نقش، وقار الهه بیش‌تر از طریق پوشش وی، به بیننده القا می‌شود. به درستی نمی‌دانیم که نرسه در چه فصلی از سال تاجگذاری نمود، یا نقش مذکور در چه فصلی

حک شد. لیکن، نحوه ارائه پوشاک افراد نقش شده در این نقش‌برجسته، به گونه‌ای روی سنگ نقر گردیده است که، مایلیم این موضوع را در ارتباط با زمان (فصل) ایجاد نقش در نظر بگیریم. این امر، به عنوان یک پارامتر محیطی باید مورد توجه باشد، که موضوع اقلیم از جمله، پارامترهای مهم محیطی قلمداد می‌گردد. شرایط سیاسی و مذهبی در آغاز پادشاهی نرسه نیز از جمله متغیرهایی است که، می‌بایست مورد توجه حجاران این نقش‌برجسته بوده باشد. نرسه پس از یک دوره جنگ‌های داخلی، توانست قدرت را به دست گیرد؛ به خاطر تنفیری که از کرتیر (موبد موبدان)، و نظام حاکم مرتبط با وی داشت، تصمیم به ایجاد این نقش برجسته با حضور آناهیتا - و نه اهورامزدا - می‌گیرد (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۰۹)، و از آنجا که، این اولین باری بود که، پیکر الهه آناهیتا به صورت تجسم انسانی در نقش‌برجسته، ظاهر گردید، حجاران می‌بایست بدون آزمون و خطا، پوشش و شمایل این ایزد با اهمیت در میان خاندان ساسانی را براساس نظر شخص پادشاه و منویات دینی از روی یک طرح ساده، به روی سنگ منتقل نمایند. بنابراین، در ابتدا، نظر علمای مذهبی درباره نرسه - که نمایندگان رسمی مذهب زرتشت بوده‌اند- در کیفیت ایجاد این شمایل و نحوه ارائه پوشاک بی‌تأثیر نبوده است. از سوی دیگر، چون در اوستا توصیف نسبتاً کاملی از وضعیت ظاهر و پوشاک آناهیتا وجود دارد، حجاران ضمن در نظر گرفتن این خصوصیات و رعایت کامل آن‌ها، تصویر قابل قبولی از نظر دینی و هنری پدید آورده‌اند. در کنار تمام مؤلفه‌های ذکر شده، که برای ایجاد یک نقش‌برجسته و ماندگاری آن، مورد توجه کارفرمایان و هنرمندان بوده است، پارامتری چون شرایط آب و هوایی (نقشه ۳)، نیز به ناچار در صدر اهمیت بوده است. اقلیم نسبتاً گرم منطقه فارس در این بین، عاملی تعیین‌کننده به حساب می‌آید. هدف کارفرما و هنرمند، ارائه یک نقش واقعی و تأثیرگذار از ایزدبانو و شاهنشاه ساسانی بود. بنابراین، هنرمند در کنار رعایت تمامی مؤلفه‌های مهم مذهبی و هنری، به واقعیت پوشاک اکثر مردمان این اقلیم نیز عنایت داشته است. علاوه بر جنبه‌های هنری، آنچه امروز، لباس یک لایه، نازک و چسبان آناهیتا را به عنوان یک ویژگی بصری ویژه، بدل کرده است، واقع‌گرایی و اقلیم‌شناسی پوشش مردمان منطقه فارس عصر ساسانی را می‌توان در آن دید. بنابراین، نگارنده براساس این توضیحات معتقد است که، در نگاه اول، وضعیت اقلیمی، آب و هوایی

جدول (۱)، نظرات محققین در مورد موضوع و افراد نقش برجسته نرسی در نقش رستم (مأخذ: محمدی فر و امینی، ۱۳۹۴: ۲۲۴ با اصلاحاتی از نگارنده).

پژوهشگران	گاهنگاری	موضوع و افراد تصویر شده در صحنه
Sarre, 1910:84	—	تاجستانی نرسه از الهه آناهیتا
Shahbazi, 1983:266-268	۲۹۵- م ۲۹۳	نرسی و همسرش شاپور دخترک (۱- فرد ناشناس ۲- هرمز دوم ۳- نرسی ۴- آذر نرسی ۵- شاپور دخترک همسر نرسی).
Tawli, 1993:144-145	—	تاجستانی نرسه از آناهیتا
لوکونین، ۱۳۷۲: ۳۲۱	م ۲۹۳	تاجستانی نرسه از آناهیتا (۱- بزرگان ۲- هرمز دوم ۳- نرسی ۴- ناشناس ۵- آناهیتا).
گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۷۶-۱۷۰	—	تاجستانی نرسه از آناهیتا (۱- ملازم ۲- پسر نرسی ۳- نرسی ۴- آناهیتا).
واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۲۶	—	تاجستانی نرسه از آناهیتا (۱- نقش ماتم ۲- وزیر در حال احترام ۳- نرسی ۴- شاهزاده کوچک ۵- آناهیتا).
Mousavi Haji and Mehrararin, 2009: 75-85	—	تاجستانی نرسه از آناهیتا



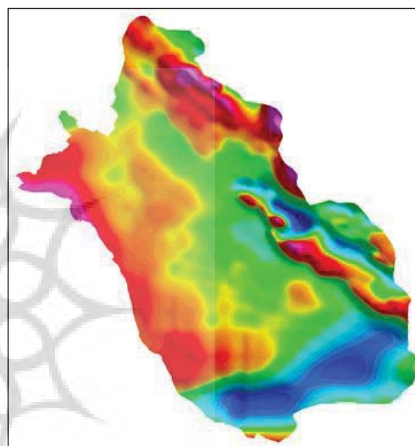
تصویر (۱)، نوع پوشش آناهیتا در نقش رستم (مأخذ: نگارنده).

در جای دیگر، آناهیتا به صورت دختر زیبارویی توصیف می‌شود که، بر سِم در دست دارد و یک گوشواره چهارگوشه زرین و با طوقی بر گردن زیبایش، او کمربند به میان می‌بندد، تا سینه‌هایش ترکیب زیبا بگیرد و تاجی با صد ستاره که با نوارها زینت یافته است، بر سر دارد (پورداود، ۱۳۷۷: ۲۹۷).

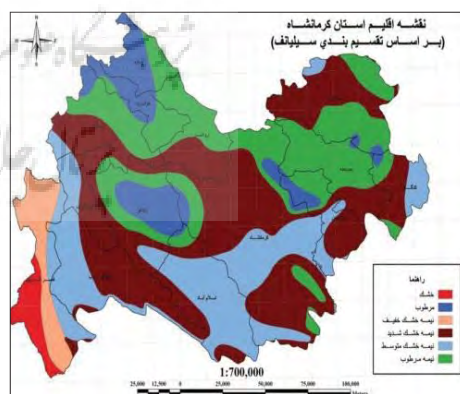
با این توصیفات، روشن می‌شود که در این اثر، هنرمند با دقت در خصوص وضعیت ظاهری و نحوه پوشش و زیور آلات آناهیتا، توصیفات اوستا را به کار گرفته و در عین حال، از نشان دادن وضعیت پوشاک

منطقه تاجگذاری یا محل ایجاد نقش برجسته آناهیتا و نرسی برای هنرمندان، علاوه بر مشروعیت بخشیدن به آغاز فرمانروایی شاهنشاهی که بعد از کشمکش‌های سیاسی و نظامی قدرت را به دست گرفت؛ به نوعی به مد و طرز پوشش مردمان ناحیه فارس عصر ساسانی نیز اشاره می‌کند. (تصویر ۱). شواهدی از کتاب مقدس زرتشتیان (یشت‌ها) در زمینه پوشش و شمایل آناهیتا ذکر می‌نماییم، تا به سنجش مطالب فوق بپردازیم. آناهیتا به صورت دختر زیبارویی بسیار برومند و خوش اندام، کمربند در میان بسته، راست بالا، آزاده نژاد و شریف، کفش‌های زرین در پانموده، با زینت‌های بسیار آراسته روان گشت (پورداود، ۱۳۷۷: ۲۶۷).

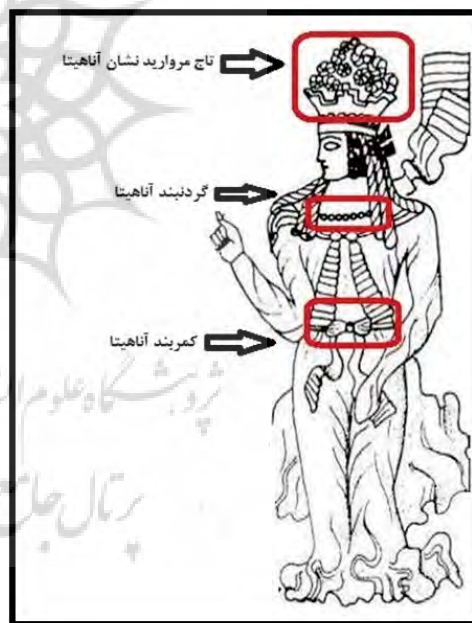
نقشه (۱)، وضعیت اقلیمی استان فارس



نقشه (۲) وضعیت اقلیمی استان کرمانشاه



براساس شرایط اقلیمی نیز غافل نمانده است. توصیفی که از لباس (پیراهن) آناهیتا در اوستا شده است، با پیراهن بعضی بانوان نقش شده در عصر ساسانی، قابل مقایسه است که، پیراهنی بلند، پرچین و فراخ می- پوشیدند و گاهی آن را به وسیله نواری در حوالی زیر پستانها، جمع کرده و می بستند (ضیاء پور، ۱۳۴۷: ۱۱۱؛ Goldman, 1997: 233- 300). از طرفی، اگر به تصویر آناهیتا در نقش رستم با دقت نگاه کنیم، وضعیت لباس و کمربند وی را که در اوستا از آن یاد شده، ملاحظه می کنیم (شکل ۱). بنابراین، تمامی شواهد موجود در اوستا، که در اینجا به اختصار بدان پرداخته شد، همچنین وضعیت شمایل نگاری الهه آناهیتا در نقش رستم نشان دهنده، دو جریان مذهبی- هنری و اشراف بر تأثیر عوامل محیطی است. این دو جریان باعث گردید که، نقش آناهیتا روی سنگ در نقش- رستم از طرفی با مندرجات اوستا مطابق باشد و از سوی دیگر، نشان دهنده تطابق محیطی و اقلیمی نیز به شمار آید.



شکل (۱)، پوشش آناهیتا در نقش رستم (مأخذ: پوربهمن، ۱۳۸۶: ۱۷۷ با اصلاحاتی از نگارنده).

پوشش الهه آناهیتا در طاق بستان

نقش برجسته ای که به عنوان شاهد و مورد مقایسه با نقش برجسته صحنه تنصیب نرسه در نقش رستم، به بررسی آن خواهیم پرداخت، نقشی است که، از لحاظ شخصیت های حاضر در آن، به عنوان یکی از بحث- برانگیزترین نقوش برجسته ساسانی بوده است. جدول

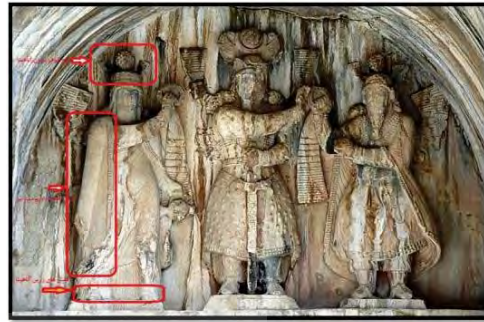
شماره (۲)، این تشتت آرا را نشان می دهد. این نقش، گاه به پیروز اول و گاه به خسرو دوم، منسوب گردیده است و در ایوان بزرگ طاق بستان کرمانشاه واقع است. در این نقش، آناهیتا در حال اعطای حلقه قدرت به یک شاهنشاه ساسانی نقر گردیده است. این نقش، فارغ از موضوع شناسایی فرد تنصیب شونده، از نظر نحوه پوشش بسیار مورد توجه و قابل تأمل است.

جدول (۲)، نظرات مختلف در مورد شخصیت های نقش- جدول (۲)، نظرات مختلف در مورد شخصیت های نقش- برجسته طاق بستان (مأخذ: محمدی فر و امینی، ۱۳۹۴: ۲۳۹ با اصلاحاتی از نگارنده).

پژوهشگران	گاهنگاری	موضوع نقش برجسته و شخصیت ها
گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۹۳	---	اعضای دیهیم شهریاری به پیروز توسط اهورامزدا و آناهیتا
گذار، ۱۳۷۷: ۲۹۳-۹۴	قرن ششم میلادی	اعضای دیهیم شهریاری به خسرو دوم توسط اهورامزدا و آناهیتا
هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۹-۳۳۵	۶۲۶-۶۱۰	اعضای دیهیم شهریاری به خسرو دوم توسط اهورامزدا و آناهیتا
موسوی حاجی، ۱۳۸۷: ۸۸-۹۰	---	اعضای دیهیم شهریاری به پیروز توسط اهورامزدا و آناهیتا (با تأکید بر خشکسالی زمان پیروز)
محمودی، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۱۵	---	جشن ابریزگان در زمان پیروز اول
Tanabe, 2003: 7	---	تاج ستانی اردشیر سوم
Sheppard, 1981 Erdmann, 1937: 79-97	---	اعضای دیهیم شهریاری به پیروز توسط اهورامزدا و آناهیتا

در بررسی پوشاک الهه آناهیتا در این نقش برجسته، مانند صحنه پیشین در نقش رستم، تلاش بر توجه جامع به عوامل متعدد اعم از محیطی و فرهنگی است. بنابراین، در ابتدا به بررسی اوضاع محیطی مکان ایجاد نقش برجسته می نماییم. وضعیت اقلیمی و آب و هوای سرد منطقه کرمانشاه، که از دوره ساسانی نیز شدت بردت هوا نسبت به امروز بسی بیشتر بوده است (Issar and Zohar, 2007: 208-216)، ما را بر آن داشت، تا به عامل محیطی از جمله اقلیم منطقه کرمانشاه به عنوان یک پارامتر مهم، نظر داشته باشیم. بنابراین، شیوه طراحی و اجرای نقش، حاکی از این است که، هنرمند و کارفرمای سفارش دهنده نقش- برجسته، این عامل محیطی (اقلیم) را به خوبی می- شناختند؛ و به هنگام ایجاد نقش برجسته، خود را ملزم به رعایت واقعیت ملموس پوشش الهه ای نمودند که به لباس انسانی مزین بود. بدیهی است، اگر آن ها در این

زمان، پوشش بانوان درباری منطقه سرد کرمانشاه را در نظر داشته و با تأسی به پوشش آن بانوان، به ایجاد این نقش مهم همت گمارده باشند. حتی این مسأله، در هنگام مقایسه پوشش الهه آناهیتا با دیگر اشخاص نقر شده در این صحنه، روشن تر می‌گردد. چرا که، پوشاک گرم و متناسب این افراد با آب و هوای منطقه کرمانشاه به خوبی مشهود است (تصویر ۲).



تصویر (۲)، نوع پوشش آناهیتا در طاق بستان (مأخذ: نگارنده).



شکل (۲)، پوشش آناهیتا در طاق بستان (مأخذ: پوربهن، ۱۳۸۶ با اصلاحاتی از نگارنده).

می‌کنیم: اردوی سورا ناهید جامه‌ای از پوست ببر در بر دارد، از سیصد ببری که چهار بچه زاید، برای آن که ببر ماده زیباترین است چه موی آن انبوه تر است. ببر یک جانور آبی است؛ در صورتی که، پوست آن در وقت معین تهیه شود، به‌نظر مانند سیم و زر بسیار می‌درخشد (پورداد، ۱۳۷۷: ۲۹۷).

با توجه به توصیف اوستا از لباس آناهیتا، احتمالاً لباسی که در نقش برجسته طاق بستان بر تن آناهیتا دیده می‌شود، همان لباسی است که، در بند ۱۲۹ آبان‌یشت ذکر شد. توجیه منطقی و علمی این امر نیز روشن است. از آنجا که پوست ببر دارای خز است و جهت تهیه لباس گرم به کار می‌رود؛ بنابراین طبیعی است که از این ماده برای تهیه نه تنها لباس آناهیتا، بلکه دیگر بانوان درباری نیز استفاده می‌گردید. پوشش الهه آناهیتا در طاق بستان، شنلی است با تزیینات مخصوص، از جمله گلی درون یک دایره که زیبایی آن را تکمیل نموده است (شکل ۲). شاید این تزیین، به طور نمادین، اشاره‌ای به پوست ببر داشته باشد. پوشاک آناهیتا در این نقش برجسته به‌خوبی یادآور پوشش بانوان درباری عصر ساسانی نیز به شمار می‌رود (ضیاء پور، ۱۳۴۷: ۱۱۷ و Houston, 1954: 174-187). آناهیتا در نقش برجسته طاق بستان طبق توصیف بند ۱۲۸ آبان‌یشت اوستا، تاجی با صد ستاره با همان تزیین مرواریدچین بر سر گذاشته است که با نوارها و روبان‌ها زینت یافته است و در بالا به صورت چنبری در آمده است (پورداد، ۱۳۷۷: ۲۹۷). در تصویر (۲)، این تاج مروارید نشان با روبان‌های آن به خوبی دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

پوشش آناهیتا در طاق بستان، بیانگر هوای سرد منطقه، عوامل محیطی، در کنار توصیفات مذهبی (یشت‌ها) از کالبد انسانی این الهه و تأثیر پوشش بانوان درباری دوره ساسانی است. عوامل جزئی دیگری، چون فصل ایجاد نقش، در هر دو نقش برجسته نیز می‌تواند گویای تفاوت‌ها در نحوه ارائه پوشش افراد باشد. به عنوان مثال، فصل ایجاد نقش برجسته نقش‌رستم در بهار یا تابستان بوده است؛ بر عکس، فصل ایجاد نقش برجسته طاق بستان در پاییز یا زمستان؛ همین موضوع باعث تأثیر فصل گرم و سرد به ترتیب بر نحوه ارائه پوشش افراد در نقوش برجسته مذکور گردید؛ افراد موجود در نقش‌رستم، با پوششی تک‌لایه‌ای و چسبیده به بدن طراحی شدند و برعکس، در طاق بستان، افراد حاضر در

اما، در کنار عوامل محیطی و مقایسه هنری پوشش آناهیتا با دیگر افراد موجود در نقش برجسته طاق بستان، مندرجات برخی متون زرتشتی، به عنوان عوامل دقت در پوشش آناهیتا محسوب می‌گردند که در بررسی نقش برجسته نقش‌رستم، برخی از شواهد آن را قید نمودیم. با توجه به وضعیت پوشش آناهیتا در طاق بستان، برخی از این شواهد دقیق را در اینجا ذکر

نقش برجسته با پوششی گرم و خردار به تصویر درآمدند. در منابع تاریخی، ذکری از زمان دقیق تاریخ‌گذاری و فصل ایجاد نقوش برجسته مذکور دیده نشد. حتی اگر به تاریخ ماه یا روز تاجگذاری هر یک از پادشاهان اطلاع کامل داشته باشیم، منطقی نخواهد بود، اگر ادعا نماییم، ایجاد نقش تاجگذاری یا تاج-ستانی از سوی الهه آناهیتا، دقیقاً در همان روز، ماه یا فصل به نقش برجسته سنگی، منتقل شده باشد. بنابراین، اطلاع کارفرما و هنرمند از اوضاع اقلیمی و ایجاد هر نقش برجسته در این زمینه، پارامتری مهم و تأثیرگذار معرفی می‌گردد، هر چند، نمی‌توان تفاوت پوشاک در دو نقش برجسته غیر همزمان را تنها و به صورت مطلق، به عامل محیطی اقلیم نسبت داد، و مؤلفه‌های دیگری، چون تفاوت سبک، نحوه نگرش به موضوع، تغییر برخی باورهای آیینی در طول زمان و جنس ماده خام سنگ را نباید از نظر دور داشت، لیکن در یک بررسی کلی از وضعیت پوشش این الهه در دو نقش مزبور، به تفاوت‌های اساسی آن‌ها پی می‌بریم. در ضمن، این تفاوت‌ها از لحاظ توصیف پوشاک و شکل ظاهری و انسانی آن‌ها در اوستا (پورداد، ۱۳۷۷: ۲۹۷)، کاملاً مطابقت می‌کنند. فاصله زمانی ایجاد دو نقش برجسته نیز بسیار مهم و در عین حال، گمراه کننده است؛ زیرا در این فاصله زمانی، اندیشه‌ها و فنون هنری دخیل در ایجاد نقوش برجسته مذکور را می‌توان به عنوان متغیرهای جدیدی در نظر گرفت. بنابراین، فارغ از دخیل دانستن عوامل متعدد در ایجاد پوشش متنوع برای یک الهه، عوامل محیطی از جمله اقلیم را باید به عنوان یک مؤلفه مهم و تقریباً غالب، ولی نه به عنوان متغیری تنها و مطلق، تلقی نمود. در پایان، باید اشاره نمود، طرح از پیش آماده شده نقش-برجسته‌های مذکور در اختیار حجار بوده، در نتیجه، هنرمند بر اساس آن طرح مقدماتی به ایجاد نقش، مطابق واقعیت موضوع پرداخته است. حاصل کار هنرمند، ضمن اینکه، واجد تمامی مشخصات ظاهری متناسب با اوضاع اقلیمی منطقه ایجاد نقش برجسته بود، منافاتی با توصیفات اوستا از وضعیت پوشاک و ظاهر آن‌ها نیز نداشت.

منابع

پروکوپوس (۱۹۰۹). *جنگ‌های پارسیان ایران و روم*، ترجمه محمد سعیدی، ۱۳۹۱، تهران: علمی و فرهنگی.
پوربهنم، فریدون (۱۹۹۶). *پوشاک در ایران باستان*، ترجمه هاجر ضیا سیکارودی، ۱۳۸۶، تهران: امیرکبیر.
پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷). *یشت‌ها*، جلد ۱، تهران: طوس.

رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۶). *تاریخ ده هزار ساله ایران*، جلد ۲، تهران: اقبال.
سامی، علی (۱۳۸۹). *تمدن ساسانی*، دوجلدی، تهران: سمت.
سرفراز، علی اکبر و فیروزه‌مندی شیره‌جینی، بهمن (۱۳۸۵). *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد*، *هخامنشی، اشکانی و ساسانی*، تهران: مارلیک.
شپیمان، کلاوس (۱۹۸۵). *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، ۱۳۹۰، تهران: فرزانه‌روز.
ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۷). *پوشاک زنان ایران از کهن-ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
گدار، آندره (۱۹۶۵). *هنر ایران*، ترجمه بهروز حبیبی، ۱۳۷۷، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
گیرشمن، رومن (۱۹۶۲). *هنر ایران در دوران پارت و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، ۱۳۷۰، تهران: علمی و فرهنگی.
لوکونین، ولادیمیر (۱۹۶۷). *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، ۱۳۷۲، تهران: علمی و فرهنگی.
محمدی‌فر، یعقوب و امینی، فرهاد (۱۳۹۴). *باستان-شناسی و هنر ساسانی*، تهران: شاپیکان.
محمودی، محمدعلی (۱۳۸۸). *جشن آبریزگان و تاق بزرگ بستان، زبان و ادب فارسی* (وابسته به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز)، سال ۵۲، شماره ۲۰۹، ۱۳۶-۱۱۵.
هرتسفلد، ارنست (۱۹۴۱). *ایران در شرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ۱۳۸۱، تهران و کرمان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر.
موسوی حاجی، سید رسول (۱۳۸۷). *تأملی دیگر در اثبات هویت واقعی و محتوای تاریخی نقش-برجسته‌های تاق‌بستان*، هنرهای زیبا، دوره ۳۵، شماره ۳۵، ۸۵-۹۲.
هرمان، جورجینا (۱۹۷۷). *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران*، ترجمه مهرداد وحدتی، ۱۳۷۳، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
واندنبگ، لویی (۱۹۶۸). *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، ۱۳۴۸، تهران: دانشگاه تهران.
ویلسون، ج، کریستی (۱۹۳۸). *تاریخ صنایع ایران*، ترجمه عبدالله فریار، ۱۳۵۶، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
نفیسی، سعید (۱۳۸۷). *تاریخ و تمدن ایران ساسانی*، تهران: پارسه.

References

Erdeman, K. (1937). Das Datum as AK-I Bustan, *Ars Islamic*, Vol: A, p:79- 97.
Fukai, Sh., Horiuchi, K. (1969, 1972). *Taq-I Bustan I-II*, Tokyo.

- Pourdavoud, E. (1998). *Yashts* (Vol. 1), Tehran: Toos (Text in Persian).
- Procopius (1909). *History of Wars: The Persian Wars*, M. Saiedy, 2012, Tehran: Elmi Farhangi (Text in Persian).
- Rezaiey, A. (2007). *Ten Thousand History of Iran* (Vol. 2), Tehran: Eghbal (Text in Persian).
- Sami, A. (2010). *Sassanid Civilization* (Two Volumes), Tehran: Samt (Text in Persian).
- Sarafraz, A. A., Firouzemandy Shirehjiny, B. (2006). *Archeology and Art of the Historical Periods of Mad, Hakhamaneshi, Ashkani, Sasani*, Tehran: Marlik (Text in Persian).
- Sarre, F. (1910). *Iranische Felsreliefs, Aufnahmen und Untersuchungen von Denkmalem aus Alt- und Mittel Persischer Zeit*, Berlin: Verlegt Bei Ernst Wasmuth A.G.
- Schippmann, K. (1985). *Grundzuge der Geschichte des Sacanidschen Reiches*, K. Jahandary, 2011, Tehran: Farzan-e-Ruz (Text in Persian).
- Shahbazi, A. Sh. (1983). Studies in Sasanian Prosopography, *AMI*, No: 16, pp: 266-268.
- Sheperd, C. D (1981). Note on the Date of Taq-I Bustan and its Relevance to early Christian Art in the Near East, *Gesta, ICMA*, Vol: 20, No: 1, pp: 9-13.
- Tanabe, K. (1984). *Royal, Boar-Hunting of the Left Wall, Taq-I Bustan.IV(text)*, Fukai.sh., Et.al, Tokyo, pp:83-93.
- Tanabe, K. (2003). *The Identification of the King of Kings in the Upper Register of the Larger Grove Taq-e-Bustan:Ardashir Restated*, Iran and Aneran web festschrift marshak, pp: 1-32.
- Tawli, D. Levit (1993). *Re- Dating the Sasanian Reliefs at Tang-e Qandil and Barm-e Dilak*, *Iranica Antiqua*, No. 18, pp.144-145.
- Vandenberghe, L. (1968). *Archeologie l'Iran Ancien*, E. Behnam, 1969, Tehran: Tehran University (Text in Persian).
- Wilson, C. J. (1938). *History of Iranian Craft*, A. Faryar, 1977, Tehran: Bongah-e- Tarjomeh va Nashr-e Ketab (Text in Persian).
- Ziapour, J. (1968). *Iranian Women's Costume from the Ancient Times to the Beginning of Pahlavi Dynasty*, Tehran: Ministry of Culture and Art (Text in Persian).
- Fukai, Sh., Sugiyama, J., Kimata, K., Tanabe, K. (1983). *Taq-i Bustan III*, Tokyo.
- Fukai, Sh., Horiuchi, K, Tanabe, K., Domyo, M. (1984), *Taq-i Bustan IV*, Tokyo.
- Ghirshman, R. (1962). *Iran: Parthians and Sassanians*, B. Farehvashy, 1991, Tehran: Elmi Farhangi (Text in Persian).
- Godard, A. (1965). *L'art de l'Iran*, B. Habibi, 1998, Tehran: Shahid Beheshti University (Text in Persian).
- Goldman, B. (1997). Woman's Robbing in the Sasanian Era, *IRANICAANTIQUA*, Vol: XXXII, pp: 233-300.
- Hermann, G. (1977). *The Iranian Revival*, M. Vahdati, 1994, Tehran: IUP (Text in Persian).
- Hertzfeld, E (1941). *Iran in the Ancient East*, H. Sanatizadeh, 2002, Tehran & Kerman: Institute for Humanities and Cultural Studies (Text in Persian).
- Houston, M. G. (1954). *Ancient Egyptian, Mesopotamian and Persian Custom and Decoration*, London: Courier Corporation.
- Issar, A. S., & Zohar, M. (2007). *Climate change: environment and history of the Near East*. Berlin/Heidelberg: Springer
- Lukonin, V. G. (1967). *Persian Civilization Under Sasanians*, E. Reza, 1993, Tehran: Elmi Farhangi (Text in Persian).
- Mahmoudi, M. A. (2009). Abrizgan Ceremony and Great Bostan Arch, *Persian Literature and Language* (property of Tabriz Literature and Humanities University), Vol: 52, No: 209, pp: 115-136 (Text in Persian).
- Mohammadifar, Y., Amini, F. (2015). *Sassanian Art and Archaeology*, Tehran: Shapikan (Text in Persian).
- Mousavi Haji, S. R. (2008). Another Reflection to Determine the True Identity and Historic Content of the Rock Reliefs of Taq – i Bustan, *HONAR-HA-YE-ZIBA*, Vol: 35, No: 35, pp: 85-92 (Text in Persian).
- Mousavi Haji Seyed Rasoul and Mehrararin, Reza (2009). The Lady Represented in Narseh's Relief: Shapurdokhtak or Anahita?, *Humanities*, Vol: 16, pp: 75-85.
- Nafisi, S. (2008). *History and Civilization of Sassanid Iran*, Tehran: Parseh (Text in Persian).
- Pourbahman, F. (1996). *Histoire Du Costume En Perse Antique*, H. Zia Sikaroudy, 2007, Tehran: Amir Kabir (Text in Persian).